


# شهید مزاری و حلقه مفقوده جامعه هزاره!



مصطفی احمدی ✍

اقلیت‌های این کشور، ایجاد کننده حلقه مفقوده‌ای به نام سرمایه بوده است. منظور از سرمایه در این بحث، سرمایه مالی و فیزیکی نیست بلکه سرمایه‌ای است به نام سرمایه اجتماعی. شهید مزاری توانست در مدت زمان اندکی که رهبری جامعه هزاره را به عهده داشت، در ابتدا برای آن جامعه و در بلند مدت برای کل کشور، سرمایه‌ای به نام سرمایه اجتماعی را ایجاد کند و به میراث بگذارد که به کمک همان پشتوانه سرمایه‌ای، کارهای کلان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را انجام داد. شاید همین امر، بزرگ‌ترین دلیل محبوبیت شهید مزاری است که هر سال بر طرفدارانش افزوده می‌شود و حتی نسل جدید، بدون این که او را از نزدیک دیده باشند، خود را پیرو بابه شهید می‌دانند؛ زیرا او توانست آن حلقه مفقوده جامعه هزاره را ایجاد کند تا چرخ آن جامعه به شکل درست و منطقی و با سرعت بیشتری در روند صحیح آن به حرکت

سال‌هاست نام شهید مزاری را با  صفت‌های مختلفی چون احیاگر هویت، رهبر، شهید وحدت ملی، بابه، عدالت‌خواه، فریادگر عدالت و... می‌شنویم که هر کدام به دلایل کاملاً واضح و مشخص که ناشی از سیاست‌ها و عملکردهای آن بزرگ مرد تاریخ بود، برای ایشان ایجاد شده است. به نظر نگارنده یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شهید مزاری که ایشان را نسبت به سایر رهبران گروه‌های قومی متمایز می‌سازد، مردمی بودن و معتمد بودن است. در جامعه‌ای مانند جامعه افغانستان، پیدا کردن فرد امین و مورد اعتماد چه در روابط نزدیک و چه در روابط رسمی، کار ساده‌ای نبوده و نیست؛ لذا شهید مزاری توانست نه تنها مورد اعتماد سطح وسیعی از جامعه هزاره قرار گیرد، بلکه این شاخص مهم را در سطح کل کشور گسترش داد. شهید مزاری قبل از هر کار مهمی که امروز موصوف به آن شده است، در ابتدا برای جامعه هزاره و در ادامه برای تمام

درآید.

اما سرمایه اجتماعی چیست؟ سرمایه اجتماعی در عصر حاضر به یکی از اساسی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی در زمینه علوم اجتماعی تبدیل شده و در سطح جهانی نیز نگاه‌های زیادی را به خود جلب کرده است تا جایی که در سال ۱۹۹۶ این نظریه به منظور ارزیابی تأثیر آن بر توسعه جوامع از سوی بانک جهانی مد نظر قرار گرفت (ابوالحسنی، ۱۳۹۲: ۷۰). سرمایه اجتماعی از نظر اقتصاددانان مکمل سرمایه‌های اقتصادی (مالی یا فیزیکی) و انسانی است که در ترکیب با آن‌ها، تولید و مبادلات را تسریع و کم هزینه می‌کند. به طور خلاصه می‌توان گفت سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد، عادات و هنجارهای رفتاری پذیرفته شده است که در سایه آنها، تعامل افراد با یکدیگر تسهیل و کم هزینه و پیش‌بینی‌پذیر می‌شود. اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معمولاً سه شاخص را به عنوان شاخص‌های اصلی اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی معرفی می‌کنند: اعتماد، مشارکت و همیاری. از طرفی سرمایه اجتماعی را در جوامع می‌توان در سه سطح مطرح نمود:

”

وی توانست اعتماد را بین جامعه از هم گسسته هزاره ایجاد نماید و اکثر آن‌ها را بدون توجه به تعلقات مذهبی و منطقه‌ای در صف واحد قرار دهد. در زمان رهبری ایشان، مشارکت مردم در حد بسیار عالی قرار داشته به طوری که تمام افراد جامعه، پذیرای هرگونه فداکاری برای جامعه خود در عرصه‌های مختلف بودند و هر فردی در هر موقعیتی که قرار می‌گرفت، سعی می‌کرد بهترین عملکرد خود را ارائه دهد.

“

مؤیدفر، ۱۳۹۲: ۲۲۴).

۱. سرمایه اجتماعی آوندی (سرمایه اجتماعی در سطح خرد): این سطح از سرمایه اجتماعی، حاصل انباشت ذخیره اجتماعی‌ای است که هر فرد در کنش دو طرفه با کنش‌گر دیگر و به واسطه همکاری و حمایتی که ارائه می‌کند یا دریافت می‌دارد، تولید می‌کند. در واقع سرمایه اجتماعی آوندی در تقویت مقابله به مثل‌های خاص و تجهیز اتحاد و پیوستگی دارای نقش است (پانتم، ۱۳۸۰: ۱۰۵). به عبارت دیگر هنگامی که سرمایه اقتصادی فرد در حساب‌های بانکی او قرار دارد و سرمایه انسانی در فکرش قرار دارد، سرمایه اجتماعی در ساختار روابطش ماندگار است. بنابراین ساختار روابط بین فعالیت‌های اجتماعی با روابط و تعاملات فردی آغاز می‌شود که به آن سرمایه اجتماعی آوندی گفته می‌شود.

۲. سرمایه اجتماعی هموندی (سرمایه اجتماعی در سطح میانه): وقتی در یک شبکه یا نظام اجتماعی، بر پایه هنجارهای مشترک و کنش‌های نهایی هدفمند و در راستای تأمین ارزش‌های درونی کنش‌گران، روابط متقابل افراد عضو شبکه شکل می‌گیرد و همکاری‌ها و حمایت‌های متقابل افراد درون شبکه نسبت به یکدیگر تسهیل می‌شود، در درون شبکه نوعی انباشت سرمایه اجتماعی پدید آمده است که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی هموندی نام برده می‌شود (رنانی و

۳. سرمایه اجتماعی پیوندی (سرمایه اجتماعی در سطح کلان): ساختار کلان یک جامعه متشکل از نظام‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های گوناگون اجتماعی است که به واسطه کنش‌گران آن هویت می‌یابد؛ اما توجه به این نکته ضروری است که کنش‌گر هر شبکه اجتماعی بدون آن که درون چارچوب‌های قاعده‌مند شبکه محصور باشد، عضو یک جامعه در شکل کلان بوده و قدرت انتخاب در برقراری ارتباط و تقابل با سایر کنش‌گران از سایر شبکه‌های اجتماعی را دارا می‌باشد. هنگامی که روابط بین کنش‌گران شبکه‌های گوناگون، مرز هنجارهای شبکه‌ها را مانند هنجارهای مذهبی، فرهنگی، قومی، جنسی، نژادی و قانونی در نوردد و شبکه‌ها را به هم پیوند زند، ذخیره اجتماعی برای شبکه‌های به هم پیوسته به وجود می‌آورد که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی پیوندی نام برده می‌شود (همان: ۱۴۲).

در سطح‌بندی سرمایه اجتماعی این نکته قابل تأمل است که هرچه میزان سرمایه اجتماعی آوندی برای فرد بیشتر باشد، باعث ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی هموندی می‌شود و هرچه میزان سرمایه اجتماعی هموندی بین گروه‌های مختلف افراد یک جامعه بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی پیوندی قوی‌تری در جامعه شکل خواهد گرفت. با توجه به تئوری مختصری که بیان شد، از شهید مزاری به عنوان فردی که توانست سطح سرمایه اجتماعی پیوندی

”

امروز که کشور در عرصه‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نقطه عطف و حساسی قرار دارد، باید سعی کنیم آن حلقه مفقوده‌ای را که او نه تنها برای جامعه هزاره، بلکه برای کل افغانستان زنده کرد را به‌عنوان شاه کلید مشکلات کشور در نظر بگیریم و در راستای تقویت و گسترش آن تلاش کنیم.

“

آن تلاش کنیم. او فردی بود که بدون داشتن علم تئوریک چنین نظریاتی، توانست چنین فاکتور مهمی را در جامعه ایجاد کند که گروه‌های مختلف مردمی را با یکدیگر بست دهد. اگر نخبگان سیاسی و مردم کشور بخواهند که از این مرحله حساس و خطرناک عبور کنند و در مباحث کلان جاری کشور مانند صلح با طالبان، خروج نیروهای خارجی، کاهش کمک‌های بین‌المللی و... بیشترین منفعت را کسب کنند و یا کمترین ضرر ممکن عاید حال جامعه جنگ زده کشور شود، باید آن سه شاخص مهم سرمایه اجتماعی را که زمانی شهید مزاری برای جامعه هزاره ایجاد کرد را در کشور بیش از پیش تقویت کنند.

#### منابع:

- ۱- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۹۲). کارکردهای سیاسی سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی و سیاست جهانی، دوره دوم، شماره چهارم.
- ۲- پانتام، ر (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه: م. ت. دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام.
- ۳- رنانی، محسن و مؤیدفر، رزیتا (۱۳۹۲). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران (چاپ دوم). تهران: طرح نو.

(سرمایه اجتماعی در سطح کلان) را در جامعه هزاره ایجاد کند و گسترش دهد، می‌توان یاد کرد. وی توانست با برقراری ارتباط با افراد مختلف جامعه هزاره، در ابتدا سرمایه اجتماعی در سطح خرد را برای خود گسترش دهد و مورد قبول بسیاری از افراد جامعه قرار گیرد. در ادامه توانست شبکه‌های ارتباطی خود را گسترش دهد و اعتماد بخش بیشتری از جامعه را در قشرهای مختلف به دست آورد و در نهایت سرمایه عظیمی را در سطح کلان برای جامعه هزاره ایجاد کند که توانست با پشتوانه آن سرمایه، قدم‌های اساسی و مهمی را برای مردم ستم دیده هزاره و سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی بردارد. به‌عنوان مثال درست است که ما امروز شهید مزاری را به‌عنوان یک عدالت‌خواه و عدالت‌طلب می‌شناسیم؛ اما نه تنها عدالت‌طلبی، بلکه تمام عملکردهای مثبت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدون داشتن سرمایه اجتماعی لازم و کافی در یک جامعه امکان پذیر نیست. شهید مزاری توانست با عملکردهای مفید خود به خصوص تأسیس حزب وحدت، سرمایه اجتماعی پیوندی را در سطح کلان جامعه هزاره ایجاد کند و در نهایت هر سه شاخص مهم سرمایه اجتماعی را که بیشتر بیان شد، در جامعه هزاره تقویت کند. وی توانست اعتماد را بین جامعه از هم گسسته هزاره ایجاد نماید و اکثر آن‌ها را بدون توجه به تعلقات مذهبی و منطقه‌ای در صف واحد قرار دهد. در زمان رهبری ایشان، مشارکت مردم در حد بسیار عالی قرار داشته به طوری که تمام افراد جامعه، پذیرای هرگونه فداکاری برای جامعه خود در عرصه‌های مختلف بودند و هر فردی در هر موقعیتی که قرار می‌گرفت، سعی می‌کرد بهترین عملکرد خود را ارائه دهد. شهید مزاری توانست همیاری و همدلی را در بین مردم خود ایجاد کند تا در تمام عرصه‌های کلان سیاسی، اجتماعی و نظامی از قدرت چانه‌زنی بالاتری برخوردار باشد. به همین دلیل او توانست احیاگر هویت جامعه هزاره و شهید وحدت ملی باشد.

امروز که کشور در عرصه‌های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در نقطه عطف و حساسی قرار دارد، باید سعی کنیم آن حلقه مفقوده‌ای را که او نه تنها برای جامعه هزاره، بلکه برای کل افغانستان زنده کرد را به‌عنوان شاه کلید مشکلات کشور در نظر بگیریم و در راستای تقویت و گسترش